

رابطه روش‌های فرزندپروری با توانایی ابراز وجود و بررسی تأثیر برنامه آموزشی ابراز وجود در دانش‌آموزان

Parenting style and self-assertiveness: Effects of a training program on self-assertiveness of Iranian high school girls

Shahriar Shahidi, Ph.D.

Nafiseh Sarihi, M.A.

دکتر شه‌ریار شهیدی*

نفیسه صریحی**

چکیده

Abstract

The present research aimed to investigate the effects of a self-assertiveness training program and different parenting styles in female first grade high school students in Tehran. Students were selected from 14 education authorities as designated by the Iranian Ministry of Education. All students had enrolled during the academic year 2005 - 2006. The aims of the present research were two fold: First, to compare self-assertiveness in students with different parenting styles and second, to examine the effects of a self assertiveness training program in students. The sample, using a cluster sampling method consisted of 450 students of whom 40 were selected to take part in the training program. All subjects completed the Assertiveness Inventory (AI) and a 76 item inventory measuring parenting style. Subjects completed these questionnaires twice before and after the training program. Statistical analyses showed that there was a significant difference between the extend of self-assertiveness of students in families with different parenting styles. The greatest difference was in connection with "little control and too much love". It was further found that students who scored low on self assertiveness measures can benefit significantly from self-assertiveness programs.

Keywords: parenting style, control, love, self-assertiveness

پژوهش حاضر با هدف مقایسه توانایی ابراز وجود در دانش‌آموزان با توجه به شیوه‌های فرزندپروری والدین آنها و بررسی تأثیر برنامه‌های ابراز وجود در دانش‌آموزان انجام شد. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان دختر پایه اول دبیرستان شهر تهران در سال تحصیلی ۸۵-۸۴ بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای ۴۰۵ دانش‌آموز در قسمت اول پژوهش شرکت کردند. از میان این افراد، ۴۰ دانش‌آموز نمونه همگن برای شرکت در دو گروه آزمایش و کنترل مربوط به مطالعه نیمه آزمایشی قسمت دوم پژوهش در نظر گرفته شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها، از دو پرسشنامه ابراز وجود ۴۰ سؤالی و پرسشنامه ۷۶ سؤالی شیوه‌های فرزندپروری استفاده گردید. طرح پژوهش در قسمت اول علی - مقایسه‌ای و در قسمت دوم، پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل در نظر گرفته شد. نتایج تحلیل آماری نشان داد که بین میزان توانایی ابراز وجود دانش‌آموزان با توجه به روش فرزندپروری در خانواده آنها تفاوت وجود دارد. همچنین آموزش برنامه‌های ابراز وجود توانایی ابراز وجود دانش‌آموزان با نمره ابراز وجود پایین که در جلسات آموزشی شرکت کردند را افزایش می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: روش فرزند پروری، کنترل، محبت، ابراز وجود

s-shahidi@sbu.ac.ir

* دانشگاه شهید بهشتی تهران

** کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه

قابلیت‌های خود بسیار مضمم هستند و در مواجهه با رویدادهای زندگی مقاومت بیشتری از خود نشان می‌دهند. سازمان جهانی بهداشت^{۱۰} (۱۳۷۹) مهارت‌های زندگی را به مهارت‌های فردی و مهارت‌های اجتماعی تقسیم کرده است. به عنوان مثال، مهارت‌های تصمیم‌گیری و حل مسأله، از جمله مهارت‌های فردی و مهارت‌های ارتباطی و بین فردی از جمله مهارت‌های اجتماعی به شمار می‌روند. عدم قاطعیت^{۱۱} یک مشکل بین فردی است که در موقعیت‌های اجتماعی و تعامل‌های شغلی، خانوادگی و جمعی ابراز می‌شود و زمینه‌ساز مشکلات دیگری از جمله اختلالات روانی می‌گردد. قاطعیت، همچنین یکی از عناصر مهم در مهارت‌های اجتماعی و از جنبه‌های قابل اصلاح در روابط بین فردی است که هم قابل آموزش و ایجاد و هم قابل تغییر و اصلاح است.

پژوهش‌های بسیار رابطه بین متغیر ابراز وجود^{۱۲} را با حرمت خود^{۱۳} و اضطراب (هرمزی نژاد، ۱۳۷۹) و اعتماد به خود^{۱۴} (کروپات، آیریش، کاستن، فروند و برنز^{۱۵}، ۱۹۹۹) گزارش کرده‌اند. همچنین بین متغیر حرمت خود و اعتماد به خود و اضطراب با متغیر شیوه‌های فرزند پروری رابطه معنادار گزارش شده است (ویگنولی، کرویتی - بلز، چیلند، دفیلیس، و گارسیا^{۱۶}، ۲۰۰۵). با توجه به این یافته‌ها می‌توان فرضیه اول پژوهش حاضر را ارائه کرد: بین میزان توانایی ابراز وجود دانش‌آموزان در خانواده‌های با شیوه‌های فرزندپروری مختلف تفاوت وجود دارد. با نگاهی به پژوهش‌هایی که در زمینه آموزش مهارت‌های زندگی و به خصوص آموزش برنامه‌های ابراز وجود در افراد مختلف از جمله پرستاران (مک‌کاب و تیمینز^{۱۷}، ۲۰۰۳) بیماران (ده بزرگی، ۱۳۷۲)، دانشجویان (بگلی و گلاکن^{۱۸}، ۲۰۰۴، دژبخش، ۱۳۷۳) دانش‌آموزان (لیزاراگا، اوگارت، کاردل، ایریات^{۱۹}، ۲۰۰۳؛ نیسیو شهنی ییلاق، ۱۳۸۰) انجام شده است، می‌توان دریافت که آموزش مهارت‌ها خصوصاً مهارت ابراز وجود اغلب با تأثیرات مثبتی در افراد همراه بوده است. نتایج این

در سال‌های اخیر توجه زیادی به مبحث تعامل اجتماعی ماهرانه شده است. این نکته که برخی از انسان‌ها تعامل‌گران ماهرتری هستند باعث شده تا پژوهش‌های دقیق و منظمی درباره ماهیت کارکردهای تعامل اجتماعی انجام شود. در حال حاضر اکثر محققان اتفاق نظر دارند که بیشتر رفتارهای اجتماعی آموختنی هستند (ارمرود^۱، ۱۹۹۹) زیرا کودکانی که در بین انسان‌ها بزرگ نشده‌اند از لحاظ اجتماعی رفتارهایی متفاوت و نامقبول دارند و قادر به تکلم نیستند. همچنین شواهد نشان می‌دهد که کودکانی که محیط خانوادگی گرمی نداشته‌اند رفتارهای اجتماعی نامناسبی دارند (هارجی و اوون^۲، ۱۹۹۰). بندورا^۳ (۱۹۸۶) در نظریه شناختی - اجتماعی^۴ خود می‌گوید تمامی رفتارها به جز بازتاب‌های اولیه آموختنی هستند. او معتقد است یادگیری اجتماعی^۵ از طریق مدل‌سازی^۶ و تقلید رفتارهای دیگران^۷ به ویژه والدین صورت می‌پذیرد. محیط خانه اولین و با دوام‌ترین عاملی است که بر شخصیت افراد تأثیر می‌گذارد. علاوه بر نفوذ والدین از جنبه ارثی، موقعیت اجتماعی خانواده، وضع اقتصادی، افکار و عقاید، آداب و رسوم، آرزوها، سطح تحصیلات والدین، و سن آنها همچنین شکل خانواده و الگوی رفتار اعضاء با یکدیگر و جو کلی حاکم بر خانواده بر شخصیت و رفتارهای فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذارند (هارجی و اون، ۱۹۹۰). بنابراین، توجه به تأثیر شیوه‌های فرزندپروری^۸ والدین نیز به عنوان عاملی تأثیرگذار در ایجاد و شکل‌گیری مهارت‌های اجتماعی امری انکارناپذیر است. از طرفی، پژوهشگران بر رابطه بین روش‌های فرزندپروری و رشد مهارت‌های زندگی تأکید ورزیده‌اند. برخی از محققان معتقدند که رابطه معناداری بین نوع تربیت ارائه شده توسط والدین و کیفیت مهارت‌های زندگی در بزرگسالی وجود دارد (اسلیکر، پیکلسیمر، گزک، و فولر^۹، ۲۰۰۵). یافته‌های حسینیان و بنی اسدی (۱۳۸۴) نشان داده است افرادی که از آموزش مهارت‌های زندگی برخوردار بوده‌اند در مقایسه با دیگران، ارزیابی واقع‌بینانه‌تری از زندگی دارند، دارای افکار و عقاید منطقی‌تری هستند، در عملی‌سازی

10. World Health Organisation

11. lack of assertiveness

12. assertiveness

13. self regard

14. self confidence

15. Krupat, Irish, Kasten, Freund, & Burns

16. Vignoli, Croity-Belz, Chapeland, DeFillips, & Garci

17. McCabe & Timmins

18. Begley & Glacken

19. Lizarraga, Ugarte, Cardelle, & Iriate

1. Ormrod

2. Hargie & Owen

3. Bandura

4. cognitive-social

5. social learning

6. modeling

7. vicarious learning

8. parenting

9. Slicker, Picklesimer, Guzak, & Fuller

تحقیقات منجر به طرح فرضیه دوم پژوهش حاضر می‌شود: آموزش برنامه‌های ابراز وجود توانایی ابراز وجود دانش‌آموزان با نمره ابراز وجود پایین را افزایش می‌دهد.

با توجه به تأثیر روش‌های فرزندپروری بر رشد اجتماعی، مهارت‌های حل مسأله^۱، استقلال^۲، و تصمیم‌گیری^۳ (الیوت^۴، ۱۹۹۰) و افزایش اعتماد به خود (خادمیان، ۱۳۷۳؛ هرمزی نژاد، ۱۳۷۶) و همچنین ایجاد محیطی برای رشد ذهنی و امنیت عاطفی^۵ فرزندان (وینسلر، مودیگان، و اکوئیلینو^۶، ۲۰۰۵) و از سویی دیگر تأثیر آموزش ابراز وجود بر مهارت‌های اجتماعی (لیزاراگا و همکاران ۲۰۰۳) و افزایش اعتماد به خود (ین رولین، ۲۰۰۴) انتظار می‌رود که شیوه‌های فرزندپروری در میزان اثرگذاری آموزش ابراز وجود تأثیر داشته باشد. بدین ترتیب فرضیه سوم "تأثیر برنامه‌های آموزشی ابراز وجود در دانش‌آموزان با شیوه‌های فرزندپروری مختلف متفاوت است" ارائه می‌شود. بنابراین پژوهش حاضر با هدف کلی بررسی تأثیر شیوه‌های فرزندپروری بر میزان ابراز وجود و همچنین مقایسه میزان اثربخشی آموزش برنامه‌های ابراز وجود انجام شده است.

روش

جامعه آماری، نمونه، و روش اجرای پژوهش: بخش اول پژوهش به مقایسه میزان ابراز وجود فرزندان در چهار شیوه فرزند پروری متفاوت با روش علی - مقایسه‌ای پرداخت. جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۰۸۷۵۰ دانش‌آموزان دختر مشغول به تحصیل در سال اول دبیرستان‌های شهر تهران در سال تحصیلی ۸۴-۸۵ بوده. دلیل استفاده از دانش‌آموزان دختر محدودیت‌های اعمال شده از طرف مسؤولین بود. نمونه مورد نظر برای بخش اول پژوهش با استفاده از روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی از میان دانش‌آموزان جامعه انتخاب شد. ابتدا از بین مناطق آموزش و پرورش تهران به‌طور تصادفی منطقه ۱۴ آموزش و پرورش، شامل ۲۷ دبیرستان، و از بین آنها، ۱۵ دبیرستان انتخاب شد. سپس از بین کلاس‌های هر دبیرستان یک کلاس به‌طور تصادفی در نظر گرفته شد. نمونه پژوهش بر اساس جدول مورگان (دلور، ۱۳۷۴)، به تعداد ۴۵۰ نفر انتخاب شد.

برای بخش دوم پژوهش؛ مداخله متغیر آموزش ابراز وجود از طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده شد. نمونه مورد نظر برای بخش دوم پژوهش چون یک مطالعه شبه آزمایشی بود و از طرفی احتیاج به همگن کردن گروه‌های آزمایش و کنترل داشت، از یک دبیرستان با شش کلاس انتخاب شد. در این نمونه‌گیری ۴۰ دانش‌آموز (۲۰ نفر برای گروه آزمایش و ۲۰ نفر برای گروه کنترل) انتخاب شدند. لازم به ذکر است که این نمونه از نظر ویژگی‌هایی چون پایین بودن میزان ابراز وجود نسبت به متوسط دانش‌آموزان، محل سکونت، تحصیلات والدین، معدل، بهره هوشی، دبیرستان محل تحصیل و اطلاعات دموگرافیک سن و جنس همگن شدند. این دانش‌آموزان دارای مشخصات ذیل بودند: ۱- نمره ابراز وجود آنها از سطح متوسط سایر دانش‌آموزان پایین‌تر بود؛ ۲- معدل نیم ترم اول آنها بین ۱۵-۱۷ قرار داشت؛ ۳- بهره هوشی بر اساس گزارش موجود در پرونده مشاوره آنان در آزمون ریون بین ۱۰۰ تا ۱۱۵ گزارش شده بود؛ ۴- تحصیلات والدین آنها دیپلم و فوق دیپلم بود؛ ۵- سن آزمودنی‌ها ۱۵ سال و حداکثر با اختلاف ۴ ماه از هم قرار داشت؛ ۶- دانش‌آموزان در یک دبیرستان مشغول به تحصیل بودند؛ ۷- هر ۱۰ نفر از دانش‌آموزان دارای یک شیوه فرزندپروری واحد بودند. سپس ۲۰ دانش‌آموز گروه آزمایش در پنج جلسه آموزش ابراز وجود شرکت کردند. محتوای جلسات آموزش در جدول ۱ ارائه شده است.

ابزار سنجش

پرسشنامه ابراز وجود^۷: این پرسشنامه شامل چهل سؤال است و در سال ۱۹۷۵ توسط گمبیریل و ریچی ساخته شده است. هر سؤال بیان یک موقعیت می‌باشد که پاسخ دهنده باید میزان امکان اجرایی چنین رفتارهایی را با گزینه‌های خیلی زیاد = ۵، زیاد = ۴، متوسط = ۳، کم = ۲، و خیلی کم = ۱ مشخص کند. در پژوهش انجام شده توسط پیری (۱۳۸۳) روایی سازه^۸ پرسشنامه با تحلیل عاملی به روش سلسله مراتبی دو عاملی به دست آمد که روی هم ۴۸ درصد کل واریانس ابراز وجود را تبیین می‌کند. برای هر دو عامل نام‌های متناسب انتخاب شده است. عامل نخست بر پایه دیدگاه لانگ و جاکو بسکی (۱۹۷۸) با ابراز وجود بنیادی^۹ هم‌خوان است که دربرگیرنده عمل ساده ابراز و پافشاری

1. problem solving
2. independence
3. decision making
4. Elliot
5. emotional security
6. Winsler, Modigan, & Aquilino

7. Self-Assertiveness Questionnaire
8. construct validity
9. basic assertiveness

پژوهش پیری (۱۳۸۳) پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۸۵٪ برآورد شده است و در پژوهش پاییزی (۱۳۸۱) به نقل از پیری (۱۳۸۳) به روی دختران کلاس دوم دبیرستان با روش آلفای کرونباخ، ۹۲٪ گزارش شده است.

بر حقوق و باورها و احساسات است؛ عامل دوم بر پایه دیدگاه کلی و همکاران (۱۹۷۸) ابراز وجود مقابله‌ای^۱ نامیده شده است. این عامل ابراز وجود، بُعد مقابله‌ای دارد و در مقابله با دیگران و در کنش‌های بین فردی مطرح می‌شود. پایایی پرسشنامه با روش بازآزمایی در مطالعه گمبیریل و ریچی (۱۹۷۵)، ۸۲٪ و در

جدول ۱- محتوای جلسات آموزش ابراز وجود

شماره	محتوای جلسات	تکالیف	زمان
۱	معارفه، تعریف و بیان ضرورت ابراز وجود، بحث درباره فواید و کارکردهای ابراز وجود، آگاهی از حقوق خود و دیگران در اجتماع و زندگی شخصی - مفاهیمی چون حق ابراز یا عدم ابراز وجود - حق آزادی، انتخاب، ابراز عقاید، و احساسات	دانش‌آموزان با دقت در اعمال روزانه خود سعی کنند رفتارهایی را به یاد آورند که حقوق خود یا دیگران در آن در نظر گرفته شده یا پایمال شده است	۱۰۰ دقیقه
۲	ارائه گزارش از تکالیف جلسه قبل و دادن پاسخورانده، بحث در خصوص رفتارهای مبتنی بر ابراز وجود، علل عدم ابراز وجود، آشنایی با شکل‌های رفتار مثل رفتار منفعلانه، سلطه‌پذیر و رفتار پرخاشگرانه، بررسی علل، فواید و مضرات انواع رفتار، ارائه مثال برای روشن تر شدن مباحث با استفاده از روش تمرین و ایفای نقش	تشخیص و افتراق رفتار جرأت‌ورزانه، پرخاشگرانه، منفعلانه در رفتارهای خود و دیگران	۹۵ دقیقه
۳	ارائه گزارش تکالیف و پاسخورانده تمرکز روی رفتارهای پرخاشگرانه، بحث درباره موضوعات زیر: چرا خشمگین می‌شویم؟ آیا خشم مفید است یا نه؟ آیا باید ابراز شود یا نه؟ عواقب عدم ابراز آن چیست؟ چگونه باید ابراز شود؟ شیوه‌های کنترل خشم، شناخت هیجان‌ها و کنترل آنها، تشخیص زمان و مکان ابراز خشم با استفاده از روش بازسازی شناختی و تمرین موقعیت‌ها در کلاس	تصور موقعیت‌های خشم، حفظ آرامش و کنترل خشم در مقابل دیگران و تمرین در موقعیت‌های واقعی و بیان آن تجربه در جلسه بعد	۹۵ دقیقه
۴	ارائه گزارش و تکالیف و دادن بازخورد، بحث در خصوص حقوق فردی و اجتماعی و آگاهی از آن به عنوان پیش زمینه‌های شناختی برای توانایی بله و نه گفتن، چرا باید بله و نه بگوییم، علل ناتوانی در "نه" و "بله" گفتن، بررسی عواقب احترام به خواست خود در مقابل دیگران، آشنایی با روش‌های درخواست کردن، بله و نه گفتن با تکیه بر تجربیات دانش‌آموزان با روش ایفای نقش در کلاس	تفکر درباره احساسات حاصل از برخلاف میل خود عمل کردن و تحمل آنچه نمی‌خواهیم با استفاده از تجربیات خود و خانواده	۹۵ دقیقه
۵	جمع‌بندی، معرفی کتاب و پر کردن فرم نظرخواهی		

کنترل - آزادی^۲ ۶۳٪ و برای سردی - گرمی روابط^۳ ۸۲٪ و ضریب پایایی و آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه به ترتیب ۹۲٪ و ۸۲٪ بوده است (به نقل از تهمتن، ۱۳۷۷). تهمتن در تحقیق خود پایایی این مقیاس را از طریق ضریب آلفای کرونباخ محاسبه نموده و میزان آن را برای بعد کنترل - آزادی ۷۴٪ و برای کل مقیاس ۸۵٪ به دست آورد. نقاشیان (۱۳۸۵) در مطالعه خود روایی پرسشنامه را از طریق روایی محتوا به دست آورد.

پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری والدین^۱: این پرسشنامه شامل ۷۶ گویه است که نوجوانان بر حسب روشی که والدینشان با آنها برخورد می‌کنند، بر اساس یک مقیاس ۵ گزینه‌ای از دامنه خیلی موافقم تا خیلی مخالفم به آن پاسخ می‌دهند. پرسشنامه توسط نقاشیان (۱۳۸۵) بر مبنای کار شیفر (۱۹۶۰) تهیه گردیده است. پایایی این مقیاس از طریق آلفای کرونباخ و بازآزمون محاسبه گردیده که میزان گزارش شده به ترتیب برای

2. control-freedom
3. cold / warm relationships

1. Parenting Style Questionnaire

بالایی نشان داده‌اند. در کل نتیجه آن بود که تحلیل عوامل تأیید کننده روایی عامل سؤالات بوده است و نظر سازنده پرسشنامه را مبنی بر اینکه وسیله مذکور دو بعد را مورد سنجش قرار می‌دهد تأیید نموده است.

یعقوب‌خانی (به نقل از نقاشیان، ۱۳۸۵) جهت تأثیر روایی عاملی سؤالات از روش تحلیل عامل‌های اصلی استفاده کرد که نتایج نشانگر دو عامل بوده است. سؤالات ۱ تا ۴۲ روی عامل محبت بار بیشتری داشته‌اند و سؤالات ۴۳ تا ۷۶ با عامل کنترل همبستگی

جدول ۲ - فراوانی و درصد فراوانی دانش‌آموزان بر اساس نوع شیوه فرزندپروری

درصد	فراوانی	شیوه‌های فرزندپروری
۲۹/۳	۱۱۸	کنترل زیاد - محبت زیاد
۲۳	۱۰۹	کنترل کم - محبت زیاد
۲۱/۶	۸۷	کنترل زیاد - محبت کم
۲۲/۱	۸۹	کنترل کم - محبت کم

یافته‌ها

بر اساس نتایج جدول ۲، شیوه فرزندپروری کنترل زیاد - محبت کم ۲۲/۱٪ گزارش شده است. زیاد ۳/۲۹٪، کنترل کم - محبت زیاد ۲۳٪، کنترل زیاد - محبت کم ۲۱/۶٪، و کنترل کم - محبت کم ۲۲/۱٪.

جدول ۳ - تحلیل واریانس یک‌طرفه جهت بررسی تفاوت میانگین نمره‌های ابراز وجود دانش‌آموزان بر اساس شیوه فرزندپروری

شاخص‌ها	تعداد	میانگین نمره ابراز وجود	انحراف استاندارد	مبنع تغییرات	جمع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
کنترل زیاد - محبت زیاد	۱۱۸	۲۷/۱۴۱	۱۸/۵۶	بین گروهی	۸۷/۵۹۵۹	۳	۱۹۸۶/۶۲		
کنترل کم - محبت زیاد	۱۰۹	۱/۱۴۷	۲۰/۹۹						
کنترل زیاد - محبت کم	۸۷	۱۳۶/۲	۱۷/۶۶	درون گروهی	۵/۱۵۲۸۵۸	۳۹۹	۳۸۳/۱	۱۸/۵	۰/۰۰۲
کنترل کم - محبت کم	۸۹	۱۴۰/۲	۲۰/۸۳						
				کل	۴/۱۵۸۸۱۸				

نمره پس‌آزمون از پیش‌آزمون هر آزمودنی محاسبه و سپس مقایسه میانگین اختلاف نمره‌ها از طریق آزمون t بررسی شد (جدول ۴). جهت بررسی برابری واریانس‌ها در نمره کل و خرده مقیاس‌های آن آزمون F لون تأیید کرد که واریانس‌های دو گروه آزمایش و گواه تفاوت معناداری با هم ندارند و در نتیجه شرط استفاده از آزمون t برای گروه‌های مستقل محقق شد. نتیجه آزمون t نشان داد اجرای برنامه‌های آموزشی ابراز وجود نمره ابراز وجود دانش‌آموزان را به‌طور معناداری افزایش داده است.

برای بررسی تأثیر آموزش ابراز وجود بر میزان ابراز وجود مقابله‌ای و بنیادی دانش‌آموزان آزمون t به وضوح نشان داد که تفاوت مشاهده شده در میانگین افتراقی نمره‌ها تصادفی نیست و اجرای برنامه‌های آموزشی ابراز وجود توانسته موجب افزایش ابراز وجود مقابله‌ای و بنیادی دانش‌آموزان شود (نگاه کنید به جداول ۵ و ۶).

برای بررسی فرضیه اول پژوهش حاضر یعنی "بین میزان توانایی ابراز وجود دانش‌آموزان در خانواده‌هایی با شیوه‌های فرزندپروری مختلف تفاوت وجود دارد" تحلیل واریانس یک طرفه اجرا شد. همان‌طور که مشاهده می‌شود تفاوت معنادار بین چهار گروه وجود دارد ($F= ۵/۱۶, P<۰/۰۰۲$). جهت بررسی تفاوت دو به دوی گروه‌ها از آزمون تعقیبی شفه استفاده شد. نتایج نشان داد که بین شیوه فرزندپروری کنترل کم - محبت زیاد با شیوه کنترل زیاد - محبت کم از نظر میزان ابراز وجود تفاوت وجود دارد ($F=۰/۰۰۲$) با استناد به میانگین دو گروه فوق می‌توان گفت گروه دانش‌آموزانی که تحت شیوه فرزندپروری کنترل کم - محبت زیاد بوده‌اند از ابراز وجود بیشتری برخوردارند.

فرضیه دوم پژوهش که "آموزش برنامه‌های ابراز وجود توانایی ابراز وجود دانش‌آموزان با نمره ابراز وجود پایین را افزایش می‌دهد" با مقایسه پیش‌آزمون و پس‌آزمون صورت گرفت. جهت تحلیل داده‌ها، اختلاف نمره‌های به‌دست آمده به وسیله کم کردن

جدول ۴- آزمون t گروه‌های مستقل جهت بررسی تفاوت میانگین‌های افتراقی دو گروه آزمایش و کنترل در نمره‌های ابراز وجود

گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	تفاوت میانگین	t	df	p
گروه آزمایش	۲۰	۲۸/۹	۲۴/۱	۲۸/۶	۳۷/۵	۳۸	۰/۰۰۱
گروه کنترل	۲۰	-۰/۳	۲/۱۵				

دانش‌آموزان با شیوه‌های مختلف فرزندپروری قبل و بعد از برنامه‌های آموزش وجود ندارد ($P=۰/۲۳۸$ ، $df=۳/۱۶$ ، $F=۱/۵۶$).

تحلیل واریانس یک‌طرفه جهت بررسی تأثیر برنامه‌های آموزشی ابراز وجود در دانش‌آموزان بر اساس روش‌های فرزندپروری مختلف نشان داد تفاوت معناداری بین نمره‌های ابراز وجود در

جدول ۵- آزمون t گروه‌های مستقل جهت بررسی تفاوت میانگین‌های افتراقی دو گروه آزمایش و کنترل در نمره‌های ابراز وجود مقابله‌ای

گروه‌ها	شاخص‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	تفاوت میانگین	t	df	P
گروه آزمایش		۲۰	۱۴/۱	۱۳/۷۷	۱۳/۹۵	۴/۴۷	۳۸	۰/۰۰۱
گروه کنترل		۲۰	۰/۱۵	۲/۱				

جدول ۶- آزمون t گروه‌های مستقل جهت بررسی تفاوت میانگین‌های افتراقی دو گروه آزمایش و کنترل در نمره‌های ابراز وجود بنیادی

گروه‌ها	شاخص‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	تفاوت میانگین	T	df	Sig
گروه آزمایش		۲۰	۱۴/۴۵	۱۴/۱۵	۱۳/۲۵	۴/۱۴	۳۸	۰/۰۰۱
گروه کنترل		۲۰	۱/۲	۱/۹				

بحث

می‌توان گفت که بین پژوهشگران توافق کلی وجود دارد که مهارت‌ها و رفتار والدین دخالت زیادی در رشد فرزندان دارد و روابط خانوادگی بر همه ابعاد زندگی نظیر روابط با همسالان و بزرگترها، تحصیل، عادت‌های غلط، و بزهکاری تأثیر می‌گذارد. همچنین کودکانی که والدینشان در برقراری روابط صمیمانه و آزاد تعادل دارند اعتماد به خود بالاتری داشته و از سلامت روانی بیشتری برخوردارند. لازم به ذکر است که مجهز بودن افراد به این مهارت‌ها از بسیاری از مشکلات اجتماعی نظیر بزهکاری و سوء مصرف مواد و گرایش به رفتارهای پرخطر که در سنین نوجوانی دیده می‌شود، جلوگیری می‌کند. بنابراین لزوم توجه به شیوه‌های تربیتی والدین و آگاهی از اثرات متفاوت آن بر رفتار فرزندان به خوبی آشکار می‌شود. یافته‌های پژوهش همچنین نشان می‌دهد که آموزش برنامه‌های ابراز وجود توانایی ابراز وجود دانش‌آموزان با نمره ابراز وجود پایین را افزایش می‌دهد. تحقیقات بسیاری تأثیر مثبت برنامه‌های آموزشی ابراز وجود بر میزان توانایی ابراز وجود افراد در سنین مختلف را تأیید نموده‌اند، از جمله نتایج تحقیقات دُربخش (۱۳۷۳)، جویس و ویل (۱۹۸۶)، مک‌کاب و همکاران (۲۰۰۲)، کروپات و همکاران (۱۹۹۹) با این فرضیه همسو است.

نتایج نشان داد که بین میزان توانایی ابراز وجود دانش‌آموزان در شیوه‌های فرزندپروری مختلف تفاوت معنادار وجود داشت و همان‌طور که در آزمون تعقیبی شفه مشخص شد این تفاوت مربوط به شیوه کنترل کم - محبت زیاد در مقابل شیوه کنترل زیاد - محبت کم بود. این بدان معنا است که دانش‌آموزان در خانواده‌های با شیوه فرزندپروری کنترل کم - محبت زیاد (سهل‌انگار)^۱ میزان ابراز وجود بالاتری نسبت به دانش‌آموزان در خانواده‌هایی با شیوه فرزندپروری کنترل زیاد - محبت کم (مستبد)^۲ دارند. همچنین پژوهش بامریند در سال (۱۹۹۱) نشان داده است که والدین کودکان با کفایت و رشد یافته اجتماعی در مقایسه با والدین دیگر کودکان گرم‌تر و با محبت‌تر هستند و بیشتر با فرزندان خود ارتباط برقرار می‌کنند. تحقیقات مک‌کورد (۱۹۹۱) نیز به این نکته تأکید می‌کند که کنترل زیاد باعث ناسازگاری اجتماعی می‌شود. این نتایج تأثیر و اهمیت دو عامل کنترل و محبت را آشکار می‌سازد (استنفورد و بهیر؛ ترجمه دهقان‌پور و خرازچی، ۱۳۷۷). با توجه به نتایج تحقیقات فوق،

1. permissive
2. authoritarian

افرادی که ابراز وجود را به عنوان یکی از مؤلفه‌های ارتباط مؤثر در اختیار دارند می‌توانند با بیان مسأله خود راه‌حل‌های بسیاری را در سایه ارتباط‌های خود کشف کنند، مسأله را بهتر بشناسند و از حمایت‌های اجتماعی برخوردار شوند. مسلماً هر چه فرد توانایی بیان مسأله را به صورت روشن‌تر و دقیق‌تر داشته باشد برنامه‌ریزی و استفاده از راه‌حل‌های مفیدتر بیشتر امکان دارد. آموزش مهارت‌های اجتماعی، مخصوصاً مهارت ابراز وجود، علاوه بر ارزش درمانی جایگاه مهمتری نیز می‌تواند در جامعه داشته باشد و آن نقش پیشگیری است. چنانچه پژوهش‌ها نشان داده‌اند این آموزش‌ها در برنامه‌های گوناگونی مؤثر بوده‌اند مثل تأثیر مثبتی که برنامه پیشگیری از رفتارهای جنسی پرخطر در میان نوجوانان (بوماریند، ۱۹۹۱)، پیشگیری از خودکشی و سوء مصرف مواد و مصرف الکل (گورمن، ۲۰۰۲) داشته‌اند (به نقل از پورشرفی، بهرامی احسان، و طایفه تبریزی، ۱۳۸۵). همچنین، نباید نقش مهم آموزش را در ایجاد روابط سالم اجتماعی و عاطفی از یاد برد. جویس و ویل (۱۹۸۶) در گزارشی از نتایج آموزش ابراز وجود به دانشجویان اظهار می‌دارند که دانشجویان با به کارگیری این روش‌ها در تعاملات بین فردی، صمیمیت، خلوص نیت و صداقت از خود نشان داده و روش‌های مؤثرتری در حل تعارضات و کاهش اضطراب و تنش‌هایی که مربوط به موقعیت‌های اجتماعی است به کار می‌گیرند. همچنین تصویر ذهنی فرد از خودش که شامل احساسات در مورد خود و نحوه عملکردهایش است نیز بهبود می‌یابد. ابراز وجود با خودپنداره و حرمت خود در ارتباط نزدیک است و به ایجاد احساس خود باوری در روابط بین فردی کمک می‌کند. خصوصیات افراد با اعتماد به خود با ویژگی‌های ابراز وجود تا حدی همپوشی دارد: دفاع از حقوق شخصی خود، توانایی "نه" گفتن، شروع کردن، ادامه دادن، خاتمه دادن و چگونگی حل مشکلات خاص اجتماعی، تحمل فشارها و احساس آزادی و تشخیص در انتخاب کردن، به دست آوردن پذیرش و اعتماد دیگران و دوری از طرد اجتماعی از خصوصیات مشترک افراد با اعتماد به خود و دارای توانایی ابراز وجود است (فورد، ۱۹۹۲؛ به نقل از رضایی، ۱۳۷۵). بنابراین، لزوم آموزش این مهارت کاملاً مشهود است زیرا اثرات مثبت آن به ارتقای سطح سلامت روانی و روابط بین فردی کمک قابل ملاحظه‌ای خواهد نمود. آموزش مهارت ابراز وجود در سنین نوجوانی، علاوه بر کاهش احساس ناتوانی و سردرگمی؛ روش‌های حل مشکلات، برطرف کردن تعارضات، روش‌های تصمیم‌گیری و رفتارهای توأم با ابراز وجود را در دانش‌آموزان توسعه می‌دهد.

بنابراین، با توجه به نتایج آموزش مهارت ابراز وجود در نوجوانان لازم است مربیان با تکیه بر این مبانی آموزشی و ایجاد محیط‌های حمایتی به تکامل و رشد یافتگی این مهارت‌ها در دانش‌آموزان کمک نمایند. یافته‌های پژوهش نشان داد که جلسات آموزش ابراز وجود توانسته میزان ابراز وجود بنیادی و مقابله‌ای دانش‌آموزان در گروه آزمایش را افزایش دهد.

به نظر می‌رسد که تأثیر خانواده در شکل‌گیری شخصیت امری بدیهی به شمار می‌رود و پژوهش‌های بسیاری بر نقش والدین بر رفتار فرزندان تأکید نموده‌اند. بامریند (۱۹۹۱) گزارش کرده است که رشد اجتماعی، اعتماد به خود و سلامت روانی رابطه مستقیم با شیوه‌های فرزندپروری والدین دارند. در مطالعه‌ای دیگر ویگنولی و همکاران (۲۰۰۵) نشان دادند که شیوه‌های تربیتی بر علائق افراد و جستجوهای شغلی آنها تأثیرگذار است و حتی در پژوهشی که یوهان‌برگ (۲۰۰۳) به نقل از ویگنولی و همکاران (۲۰۰۵) انجام داد والدین به عنوان یکی از عوامل محیطی معرفی شدند که تأثیر زیادی در عادات تغذیه فرزندان دارند. اما با افزایش سن و ورود به دوران نوجوانی و رشد ذهنی و جسمی و پا گذاشتن به اجتماع بزرگتری که همسالان از اعضای مهم آن هستند رفته رفته از تأثیر والدین کاسته می‌شود و نوجوان با میل به استقلال‌طلبی سعی دارد درباره وقایع مهم زندگی‌اش تصمیم‌گیری نماید. این مسأله خصوصاً در کوتاه مدت و تحت تأثیر عوامل محیطی بیشتر نمایان می‌شود زیرا معمولاً والدین در طول زمان، با استفاده از شیوه‌های مدارا، اعمال کنترل و یا با ایجاد روابط نزدیک، افکار و عقاید خود را به فرزندان خود تحمیل می‌کنند. بنابراین کوتاه بودن زمان تأخیری پس از آموزش برنامه‌های ابراز وجود برای بررسی تأثیر متغیری چون شیوه‌های فرزندپروری از عواملی به شمار می‌رود که مانع بررسی دقیق آن می‌شود. همچنین قرار گرفتن در ماه برگزاری امتحانات که معمولاً والدین متفاوت از معمول عمل می‌کنند، همچنین تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، که تا حدودی کنترل شد، و ویژگی‌های شخصیتی از جمله عوامل کنترل نشده محسوب می‌شود. به علاوه، پژوهشگران ترجیح می‌دادند که بیش از چهار جلسه برای آموزش اختصاص داده می‌شد ولی این محدودیت از طرف اولیای مدرسه اعمال شد. همچنین عدم همکاری والدین به منظور تشکیل جلسات آموزش ابراز وجود خارج از ساعات مدرسه زمان و امکانات کافی را در اختیار پژوهشگران قرار نداد. موقعیت زمانی نامناسب عامل قابل ذکر دیگری است، بدین معنی که اجباراً پژوهش در فصل امتحانات

انجام شد و این مسأله می‌تواند موجب ایجاد اضطراب و عدم تمرکز در دانش‌آموزان شده باشد.

به دلیل محدودیت‌های مذکور ابعاد متعددی از پژوهش بدون بررسی و سؤالات بسیاری بدون پاسخ مانده‌اند. پیشنهاد می‌شود محققان در آینده با بهره‌گیری از پژوهش حاضر به بررسی مسائل ذیل مبادرت ورزند: مسلماً تکرار پژوهش حاضر با به‌کارگیری روش‌های آن در مناطق مختلف کشور و مقایسه نتایج آن و همچنین انجام پژوهش در دو جنس مذکر و مؤنث می‌تواند بسیار ثمربخش باشد. شکی نیست که استفاده از نتایج کاربردی پژوهش در آموزش و پرورش، کانون‌های اصلاح و تربیت، و مراکز ترک اعتیاد نیز لازم است. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به مطالعه درک دانش‌آموزان از معنای عملی ابراز وجود و تطبیق آن با رفتارهای پرخاشگرانه و همچنین درک والدین و مربیان از معنای عملی ابراز وجود و تطبیق آن با رفتارهای سلطه‌پذیرانه و مؤدبانه پرداخته شود. استفاده از آموزش ابراز وجود به منظور پیشگیری از رفتارهای بزهکارانه، سوءمصرف مواد، رفتارهای جنسی پرخطر در مدارس به‌طور مستمر نیز سودمند به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر مانند بسیاری از پژوهش‌های مشابه قادر به بررسی تأثیر دراز مدت آموزش نبود. پیشنهاد می‌شود پژوهشگران به اجرای مجدد پس‌آزمون بعد از گذشت مدت زمان بیشتر و بررسی تأثیر دراز مدت آموزش مبادرت ورزند. یکی از مباحث مهم در پژوهش در مورد ابراز وجود بررسی تفاوت‌های فرهنگی است. یافته‌های برخی از پژوهشگران نشان می‌دهد که توانایی ابراز وجود تا حدی بستگی به جنسیت و فرهنگ افراد دارد. برای مثال، فلورین و زرنیتسکی (۱۹۸۷) با مقایسه نوجوانان عرب و اسرائیلی به این نتیجه رسیدند که دختران عرب نسبت به پسران و دختران اسرائیلی در برخی موقعیت‌های اجتماعی از مهارت‌های ابراز وجود پایین‌تری برخوردار بودند. همچنین رولاند (۱۹۹۶) همین نتیجه را در افراد آسیایی در مقایسه با هم‌تایان آمریکایی آنها گزارش کرده است. پیشنهاد می‌شود تحقیقات آینده به تفاوت‌های جنسیتی و فرهنگی در جامعه ایران بپردازند.

مراجع

استنفورد، ج، وبه‌یر، پی (۱۳۷۷). *تعامل والدین و کودکان*. ترجمه محمد دهقان‌پور و مهرداد خرازچی. تهران، انتشارات رشد.
پیری، لیلا (۱۳۸۳). *بررسی رابطه بین سبک‌های هویت و مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان دختر پیش‌دانشگاهی تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم.

پورشریفی، حمید، بهرامی احسان، هادی و طایفه تبریزی، رقیه (۱۳۸۵). *بررسی اثربخشی آموزش کوتاه مدت مهارت‌های*

زندگی، روان‌شناسی معاصر، شماره ۱، ۴۰-۴۷
تہمتن، کلثوم، (۱۳۷۷). *رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین و انگیزش پیشرفت دانش‌آموزان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی.

حسینیان، سیمین و بنی‌اسدی، علی (۱۳۸۴). *بررسی رابطه آموزش مهارت‌های زندگی و نگرش نسبت به زندگی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد سمنان*. چکیده مقالات اولین کنگره سراسری پژوهش‌های روانشناسی بالینی ایران. ص ۳۰ تهران: انجمن علمی روانشناسی بالینی.

خادمیان، ملیحه‌السادات (۱۳۷۳). *بررسی رابطه نگرش‌های تربیتی والدین با حرمت خود دانش‌آموزان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

دژبخش، منیژه (۱۳۷۳). *بررسی تأثیر قاطعیت درمانی بر میزان قاطعیت و خودپنداره دانشجویان پرستاری*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده پرستاری.

دلاور، علی (۱۳۷۴). *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*. تهران: انتشارات رشد.

ده بزرگی، غلامرضا (۱۳۷۲). *بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی در سازگاری بیماران اسکیزوفرنیک مزمن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی ایران.

رضایی، مجد (۱۳۷۵). *بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری و بلوغ اجتماعی دانش‌آموزان راهنمایی منطقه شش تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.

سازمان جهانی بهداشت (۱۳۷۹). *برنامه آموزش مهارت‌های زندگی: واحد بهداشت روان و پیشگیری از سوء مصرف مواد سازمان جهانی بهداشت* (ترجمه ربابه نوری قاسم‌آبادی و پروانه محمدخانی).

نقاشیان، ذ (۱۳۸۵). *رابطه محیط خانواده و موفقیت تحصیلی*. دانشگاه شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

نیسی، عبدالکاظم، و شهنی بیلاق، منیژه (۱۳۸۰). *تأثیر آموزش ابراز وجود بر ابراز وجود، عزت نفس، اضطراب اجتماعی و بهداشت روانی دانش‌آموزان پسر مضطرب اجتماعی دبیرستان‌های اهواز*. *مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اهواز*، ۱۱، ۳۰-۲۱.

هارجی، اون و همکاران (۱۳۷۷). *مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی* (ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروز

- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence*, 11, 56 - 95.
- Bandura, A. (1986). *Self - Efficacy in Changing Societies*. Cambridge University Press.
- Begley, C. M., & Glacken, M. (2004). Irish nursing students changing levels of assertiveness during their pre-registration programme. *Nurse Education Today*, 24, 501-510.
- Elliot, T. R., & Gramling, S. E. (1990). Personal assertiveness and the effects of social support among college students. *Journal of Counseling*, 37, 427-436.
- Florian, V., & Zernitsky, E. (1987). The effect of culture and gender on self reported assertive behaviour. *International Journal of Psychology*, 22(1), 83 - 95.
- Gambril, E., & Richy, C. (1975). An assertion inventory for use in assessment and research. *Behavior Therapy and Research*, 6, 550 - 561.
- Hargie, W., & Owen, D. (1997). *Handbook of Communication Skills*. London and New York, Rutledge.
- Joyce, B., & Weil, M. (1986). *Models of Teaching*. New Jersey, Prentice Hall
- Kelly, G., Frederiksen, L, et al. (1978) Training and generalization of commendatory assertiveness: A controlled single subject experiment. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 9, 17-21.
- Krupat, E., Irish, J. E., Kasten, L. M., Freund, K. B., & Burns, R. (1999). Parenting assertiveness and physician decision-making among older breast cancer patients. *Social Science & Medicine*, 49, 449-457.
- Lang, A. J., & Jakowbski, P. (1978). *Responsible Assertive Behavior* (4th Ed). Washington Research Press.
- Lizarraga M. L., Ugarte, M. D., Cardelle-Elawar, M., & Iriarte, M. D., (2003). Enhancement of and Instruction, 13, 423-439.
- Sanzde, M. L. A., Lizarraga, M., Dolores U., Cardelle-Elawar, M., & Iriarte, D. (2003) Enhancement of self-regulation, assertiveness, and empathy. *Learning and Instruction*, 13, 433-439.
- McCabe, C., & Timmins, F. (2003). Teaching assertiveness to undergraduate nursing students. *Nurse Education in practice*, 3, 30-43.
- Ormrod, J. E. (1999). *Human Learning* (3rd Ed). NJ Princeton-Hall.
- Roland, A. (1996). The influence of culture on the self and self object relationships: An Asian-North America comparison. *Psychoanalytic Dialogues*, 6, 461-476.
- Slicker, E., Picklesimer, B., Guzak, A., & Fuller, D. (2005). The relationship of parenting style and older adolescent life skills development in the United States. *Young*, 13(3), 227 - 245.
- Vignoli, E., Croity-Belz, S., Chapeland, V. De., Fillipis, A., & Garcia, M. (2005). Career exploration in adolescents: the role of anxiety, attachment and parenting style. *Journal of Vocational Behavior*, 67,153-168.
- Winsler, A., Modigan, A., & Aquilino, S. (2005). Correspondence between maternal and paternal parenting styles during early childhood. *Early Childhood Research Quarterly*, 20, 1 -12.
- Yen-Ru Lin, S., Shiah, Y.R.L., Chang CH, Lai, T., J., Wang, U., & Chou, U., R. (2004). Evaluation of an assertiveness training program on nursing and medical students assertiveness, self-esteem and interpersonal communication satisfaction. *Nurse Education Today*, 24, 656-665.



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علوم انسانی